

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نذیر دلسوز

۰۸ نومبر ۲۰۱۵

## «درنگی گذرا به مقوله» بنیادگرایی!

بادیدن نوشته پر محتوای رفیق شجاع، مبارز و ادامه کار (میرویس ودان محمودی) خواستم سخنی چند با خوانندگان گرانقدر این رسانه (در پیوند با جنایات اخوان جهادی - طالبی - داعشی) در میان بگذارم. رفیق (کبیر توخی) در سال ۱۹۹۶، یعنی ۱۹ سال قبل در آغاز مقاله «ملل متحد چماق دست امپریالیزم امریکا» که در رسانه ها، نشر شده بود؛ چنین نوشت:

«تمام مقولات و واژه ها از خود معانی و مفاهیمی دارند. این معانی و مفاهیم در فرآیند کار و کردار اجتماعی انسان پوییده و جوینده جان گرفته، بیان مختص و مشخص و یا عام و کلی را در قالب کلمات گنجانیده، به وسیله همان قالب ها، واقعیت های روینده، یا میرنده را متجلی ساخته اند. یا با بیان اکادمیک: کلی ترین مفاهیم و معانی که در جریان یک علم تدوین شده، اساس و بنیاد آن علم را تشکیل داده، به ارتقاء و تعالی بعدی و آتی آن خدمت کرده اند. کلیه شعب علوم و فنون از خود مقولات و واژه هائی دارند؛ به طور مثال در علم فزیک: قوه، مدار، مرکز، فرار جاذبه و...؛ در علم اقتصاد: کالا، ارزش، ارزش اضافی، ارزش مصرفی، کار اجتماعاً لازم و...؛ در علم سیاست: دموکراسی، دیکتاتوری، کاپیتالیسم، سوسیالیسم، تئوکراتی، سکولاریسم و...؛ در علم روان شناختی: به خودآئی، خویش جدا سازی، خویش اندودی، عقده، حقارت و... نهاد ها و مؤسسات خادم (به هر طبقه ای که تعلق گیرند) بر مبنای هر علمی که بیخ و بنیاد گرفته باشند، مفاهیم خود را توسط مقولات و واژه های همان علم - در اندک لحظه - در ذهن خواننده یا پژوهشگرانی که کم یا بیش در مورد آن اطلاع دارند؛ به تصویر می کشند؛ اما مقولات و واژه هائی هم هست که ظاهراً بازتاب محتوای درونی خود بوده؛ مگر در ماهیت امر واقعیت هائی را در بطن خود حمل می نمایند که با جوهر اصلی شان در تعارض و تقابل دایمی قرار دارد. یا به کلام دیگر مضمون مقوله متضاد خود را حمل می نمایند؛ همانند مقوله "ملل متحد". . . . .»

رفیق "توخی" بدرستی به این موضع درنگ نموده: اینجا این ملت ها نیست که اتحاد بسته اند؛ بل دولت هاست که متحد شده اند و به ضد ملت ها عمل می نمایند و نامش را غرض فریب مردم جهان گذاشته اند "ملل متحد"! و حال درنگی گذرا به مقوله «بنیادگرایی» می نمایم:

جنایات مسلمانان طی سه دهه اخیر (به طور اخص در افغانستان و ایران) برخی از راهیان هوشیار محمد را بر آن داشت تا در پناه مقوله «اسلام بنیاد گرا» عملکرد پیروان راستین محمد را تخطئه نموده، بدون آن که خود را با ماهیت احکام ضد انسانی اسلام واقعی طرف بسازند، با در نظر داشت، تکامل حواجج، خواسته زمانه های در حال انکشاف و تغییر را برجسته و نیک و پاک نشان دهند که در آن دیگر از سنگ و سنگسار و مثله و زیر دیوار کردن و .... خبری نیست و عملکرد های اولی اسلام که ناشی از ضرورت های شرایط آن زمان بوده، دیگر خواست اجتماعات هر دم انکشاف یافته امروزی جهان متحول نبوده ، آن عملکرد های بنیادی ۱۴۰۰ سال قبل را «جامعه مدرن اسلامی» نپذیرفته، آن را منسوخ و بی اعتبار می داند و نو آوری ها و دگر اندیشی ها بر مبنای تغییرات و تحولات جوامع بشری خواهان تفاسیر و تعبیر و برداشتهای منطقی و درست از آیت های قرآن ؛ مطلوب و محبوب تمام مسلمانان جهان می باشد و چنین جوامعی باطرد احکام آن وقته ، می توانند با رهنمود های خردمندانه علماء و فضلاء و مجتهدان دین به رفاه ، وارسنگی و آسایش دایمی برسند و حقانیت خود را در مقایسه با سایر ادیان و مذاهب منسوخ شده در مرکز دید جهانیان قرار دهند.

در حالی که در واقعیت امر این مقوله یعنی رجعت به دوران محمد با تمام گنبدیگی های دین اسلام، از جمله جمره و مثله و سوختاندن زنان و مردان و قطع دست و پا و و نکاح با چند زن و .... ، می باشد که عدول از آن می تواند به معنای عدول از دین اسلام تلقی بگردد.

دربری از کشور های اسلامی مثل ترکیه (بعد از عثمانی ها) و افغانستان (قبل از جهادی - طالبی) و ایران (قبل از خمینی) و ... که بنا بر تکامل جامعه در چهار چوب مالکیت خصوصی در مورد احکام سنگسار و مثله و قطع دست و پا و ... تجدید نظر شد ؛ این مقوله سیاسی («بنیاد گرائی») بر مبنای این تجدید نظر در همین احکام ، ابداع و "اختراع" شد . از دید اسلام اصلی و واقعی تجدید نظر کنندگان در احکام اسلامی، در واقع امر منحرفان و مرتدان از خط قرآن اند که باید کشته شوند. چنانچه جهادی ها (که امروز قلم به دستان این جنایتکاران و سیاست بازانشان مثل سیاوش بکتاز - این اسباب بازی "شورای نظار" روسی - فقط و فقط طالبان را در مرکز دید مردم قرار می دهند و از آنان «بیز بلاگردان» ساخته اند) دیدیم که با مردم افغانستان به خصوص مردم کابل و شهر زیبای شان چه کردند؛ همینطور وحشیان بعدی (طالبان) . این دو طیف ابداً از دید این قلم «بنیاد گرا» نیستند و در گذشته خفتبار و پر از جنایات شان هم «بنیادگرا» نبوده اند؛ چنانی که داعش و القاعده و خمینی و خامنه ای مسلمان «بنیاد گرا» نبودند و نیستند . اینها همه وارثان اصلی محمد و پیروان اصیل و صادق «قرآن» اند که در نقش مسلمان برای خواسته های امپریالیزم جهانی مردم را قصابی نموده و می نمایند .

و باید اضافه نمود: نظر به تعریف رایج «بنیادگرا» فردی ست که وظیفه خود می داند که در حفظ اصول و جهان بینی پذیرفته شده خود کوشا باشد . «بنیادگرایان» حاضر به پذیرفتن هیچ گونه تغییر و تفسیر و تعبیر و مؤلفه ای در اصول و جهان بینی خود نیستند و با بدعت و نو آوری در اصول خود شدیداً برخورد می کنند (یا به بیان رساتر و وحشیانه برخورد می کنند) که در این امر تمام مسلمانان متفق القول اند ، که در برآیند هر مسلمانی را می توان «بنیادگرا» خواند . «بنیادگرایان» تمام اصول دینی خود را به عنوان حقایق اساسی که هیچ تغییری را نمی پذیرد؛ می انگارند . از نظر «بنیادگرایان» احیای فرایض ، سنت ها و ارزش های اسلامی که آن را به معنی بازگشت به اصول یا بازگشت به قرآن و سنت چه به صورت فردی و یا اجتماعی توجیه می کنند .

هدف مسلمانانی که بین خود و «بنیادگرایان» گویا «حد فاصل» کشیده آنان را به نقد می کشند و بعضاً داو و دشنام هم می دهند ، چیزی نیست غیر از آن که خود را از برادران «بنیادگرای» خود متمن تر جلوه داده و بدین شگرد خود را

بہتر در خدمت منافع استعمارگران و طبقات حاکمہ وابستہ بہ امپریالیزم و یا در خدمت استعمارگران و امپریالیزم اشغالگر کشورہایشان قرار دہند . در حالی کہ ہم «بنیادگرایان» و ہم غیر «بنیادگرایان» یک هدف واحد را در کشور های مستعمرہ اسلامی چون افغانستان و کشور های وابستہ اسلامی (چون ایران) بہ خاطر حفظ منافع خود و منافع اربابان امپریالیست شان دنبال می کنند کہ عبارت از قلع و قمع کمونیستان در گام نخست و بعداً ریشہ کن کردن اندیشہ های «انحرافی!!» ضد مالکیت خصوصی (البتہ بہ زعم خودشان) می باشد ، تا خاطر اربابان امپریالیست خود را از سرکوب نیروہای آگاہ و مبارز جوامع مستعمرہ و وابستہ آسودہ سازند . آیا : بہ صاحب نظران اسلام (غیر از جہادی و طالبی و القاعدہ ئی و داعشی) می توان واژہ «رویزیونیست» های برگشتہ از دین اسلام را اطلاق نمود ؟ کہ حالا مسلمانان واقعی (جہادی و طالبی و داعشی) با آنان مبارزہ می نمایند .

درود بہ تمام انسان ہائی کہ بہ ضد اشکال وابستگی می رزمند و در راہ خشکانیدن ریشہ های سرطانی ادیان و مذہب بہ خصوص دین اسلام می رزمند!

دلسوز .... / نومبر / ۲۰۱۵